

## راهنمای کتاب‌های اسلامی ایران

حجم فعالیت‌های این‌چنینی، این کوشش‌ها اندک و ناچیز بوده و اغلب از اقدامات شخصی پدیدآورندگان، کمتر فراتر رفته است. این ضعف ارتباط نه‌تنها از سوی محافل فرهنگی ایران مورد اشاره و حتی موجب اظهار تأسف بود، بلکه از آن سو، در جهان عرب نیز بر رفع آن تأکید و حتی اقدام شده است؛ چندان‌که مؤسسات گوناگون در کشورهای عربی، به‌ویژه مصر، کوشیده‌اند به‌نحوی از آنچه نویسندگان و پژوهشگران و دیگر فعالان عرصه‌های فرهنگ در ایران پدید آورده‌اند، دست‌کم اطلاع یابند. در سال‌های اخیر، اشخاصی از جهان عرب کوشیده‌اند که با ترجمه و معرفی شمار چشمگیری از متون کهن و آثار نویسندگان و شاعران و محققان معاصر ایرانی، فضای فرهنگی ایران را به عرب‌زبانان بشناسانند. استاد محقق، آقای یوسف ال‌هادی که سال‌ها در ایران به‌سرمی‌برد، از آن‌گاه که رحل اقامت در کشور سوریه افکنده، ترجمه و تصحیح و نشر آبرومند شماری از تراث گران‌سنگ فرهنگ ایران را پیشنهاد همت‌والای خود قرار داده است و باید گفت که از این بابت خدمت عظیم و چشمگیری را بر عهده گرفته است. یکی از این آثار، ترجمه کتاب تاریخ بی‌هق، اثر فرید خراسان، علی بن زید بی‌هقی (متوفی ۵۶۵ ق.) به‌زبان عربی است و از این راه موفق شده است تا یکی از مآخذ مهم و سخت قابل‌توجه فرهنگ و تاریخ خراسان بزرگ را در سده‌های دور اسلامی، در معرض دید و استفاده پژوهشگران عرب‌زبان قرار دهد. استاد



● علی بهرامیان<sup>۱</sup>  
عضو هیأت علمی بنیاد  
دایرةالمعارف اسلامی

■ الدلیل ۲۰۰۵، ببلوغرافیا الکتب الإسلامیة الصادرة فی ایران عام ۲۰۰۵، مؤسسة دارالکتاب و بنک المعلومات الإسلامیة (بارسا)، طهران، ۲۰۰۷، ۶۸۲ ص، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۰۴-۱۸-۱

ارتباطات فرهنگی میان ایران و جهان عرب، به‌رغم دیرینه درخشانی که در سده‌های پیشین داشته است، در روزگار ما دچار ضعف و فتور بوده و این مایه تأسف است. گرچه برای تقویت اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های فرهنگی، به‌ویژه امور تحقیقاتی و نشر کتاب و مجلات تخصصی گاه کوشش‌هایی از دو سو به‌عمل آمده است، باید گفت که با توجه به



ارتباطات فرهنگی  
میان ایران و جهان  
عرب، به‌رغم دیرینه  
درخشانی که در  
سده‌های پیشین  
داشته است، در  
روزگار ما دچار ضعف  
و فتور بوده و این مایه  
تأسف است

کتاب و بانک اطلاعات اسلامی (پارسا) این وظیفه خطیر را به‌عهده گرفته و کوشیده‌اند تا اندکی از آن غفلت‌ها جبران شود. کتاب الدلیل ۲۰۰۵ که سال گذشته در ۶۸۲ صفحه دستونی منتشر شده، نزدیک به دوهزار کتاب را در موضوعات اسلامی، که فقط در سال ۲۰۰۵ م. در ایران به‌چاپ رسیده، معرفی کرده است. در مقدمه این کتاب، بدانچه در آغاز به آن اشاره کردیم، یعنی «جدایی فرهنگی و ضعف تبادلات و پیوندها در زمینه‌های فکری میان ایران و جهان عرب» تأکید شده و آن را «مشکلی واقعی» و حتی «مانع همکاری‌های مشترک» دانسته است و چنانکه در این مقدمه آمده، «پس از آنکه ستاره تمدن اسلامی رو به غروب نهاد، شناخت اجزای پیکره اسلامی نسبت به یکدیگر اندک‌اندک کاهش یافت و آن پیوند پیشین» از دست رفت. بدین سبب «آگاهی جهان عرب از پژوهش‌های ایرانی ضرورتی ملی و دینی است» و «نیاز به کتاب‌شناسی گسترده تحلیلی که آثار اندیشه ایرانی را در زمینه‌های فلسفه و کلام و عرفان و تصوف و تاریخ و جغرافیا و جامعه‌شناسی و سیاست و اقتصاد و ادب و هنر و فقه و حقوق بازتاب دهد، احساس می‌شد».

کتاب‌های منتشرشده اسلامی در سال ۲۰۰۵ م. در الدلیل به ۱۸ موضوع تقسیم شده‌اند که عبارت‌اند از: اخلاق؛ ادبیات؛ ادیان و فرق؛ اقتصاد اسلامی؛ پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)؛ تاریخ و جغرافیا؛

الهادی خود در آغاز مقدمه بر ترجمه عربی تاریخ بیهق تأکید کرده است: هیچ پژوهشگری در زمینه تاریخ و فرهنگ و تمدن ادوار اسلامی نیست که از دانستن زبان فارسی بی‌نیاز باشد (الهادی، ۲۰۰۴، ص ۵) و افزوده است: آنچه وی را به ترجمه عربی این کتاب راهبر شد، حاشیه‌ای است که محقق عرب، دکتر عمر عبدالسلام تدمری درباره یکی از علمای ناحیه بیهق، ابوالطیب طاهر بن احمد بیهقی، در یکی از مجلدات تاریخ الإسلام شمس‌الدین ذهبی (متوفی ۷۴۸ ق.) نوشته و در آن از احوال وی اظهار بی‌اطلاعی کرده است؛ حال آنکه، به‌نوشته استاد الهادی، اگر او کتاب تاریخ بیهق علی بن زید بیهقی را در دست داشت، و به‌طریق اولی، اگر فارسی می‌دانست، می‌توانست که شرح احوال عالم مذکور را در این کتاب بخواند و احياناً از آن سود ببرد. از این نمونه‌ها اندک نیست و باید گفت که لازم است که سازمان‌هایی وظیفه دست‌کم اطلاع‌رسانی را در این باره به‌عهده گیرند تا خلأ موجود اندک‌اندک برطرف شود و بر اثر آن همکاری‌های فرهنگی میان ایران و جهان عرب فزونی گیرد. البته پیوستگی و استمرار در این کار نیز از اهمیت اصل اقدام به آن کمتر نیست و فعالیت‌های مقطعی، چنانکه تاکنون بر این منوال بوده است، با وجود ارزشی که به‌هر حال دارند، این گسستگی را به‌نحو کافی رفع نمی‌کنند.

باری، اکنون مایه کمال خرسندی است که خانه

**شاید چنین به نظر  
برسد که بهتر بود  
گزینشی از میان آثار  
صورت می‌گرفت  
و معرفی همه آثار  
اسلامی منتشرشده  
در یکسال در ایران،  
چندان ضروری نباشد**

جامعه‌شناسی؛ علوم حدیث؛ حقوق؛ روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ زندگینامه‌ها؛ عرفان و تصوف؛ علوم سیاسی؛ علوم کاربردی و ریاضیات؛ فقه و اصول؛ فلسفه و منطق؛ قرآن و علوم قرآنی؛ و کتاب‌های مرجع.

در ذیل موضوعات مذکور، کتاب‌ها براساس نام مؤلفان و به ترتیب الفبایی تنظیم و اطلاعات کتاب‌شناسی به‌طور کامل و براساس ضوابط خاص ذیل نام کتاب درج شده است، از قبیل ناشر و شمارگان و شمار صفحات و البته زبان کتاب، فارسی یا عربی، زیرا ناگفته پیداست که در ایران شمار چشمگیری کتاب به زبان عربی منتشر می‌شود و خوب است، بدخواهان و طعنه‌زنان جهان عرب آنان، به شمار قابل توجه کتاب منتشرشده به زبان عربی در ایران، دست کم به همین کتاب از این بابت هم نظر کنند. باری، پس از اطلاعات کتاب‌شناسی، در چند جمله‌ای هم در ذیل آن به کوتاهی تمام اثر معرفی شده است و چنانکه در مقدمه آمده است، این معرفی‌های اجمالی از ۱۲۰ کلمه تجاوز نمی‌کنند. در پایان نیز، فهرس کتاب در دو بخش شامل نام آثار و نام نویسندگان تنظیم شده و بدین ترتیب، مراجعه به کتاب تسهیل شده است.

بی‌گمان چنین طرحی تا تکامل، هنوز راه درازی در پیش دارد، اما آغاز آن خود اقدام فرخنده‌ای است و باید کوشش تهیه‌کنندگان را پاس داشت. شاید چنین به نظر برسد که بهتر بود گزینشی از میان آثار صورت می‌گرفت و معرفی همه آثار اسلامی منتشرشده در یکسال در ایران، چندان ضروری نباشد؛ اما به گمان ما، گزینش از میان شماری نزدیک به دوهزار کتاب، اگر ناممکن نباشد، بسی دشوار است؛ وانگهی، در چنین مواردی همواره احتمال اعمال سلیقه، به‌عمد یا غیرعمد، وجود خواهد داشت. بنابراین، این کتاب در صورت فعلی، تصویری است از آنچه در موضوعات اسلامی در ایران و طی یکسال منتشر شده است و از این بابت، اطلاعاتی سخت ارزشمند و قابل توجه به خواننده و محقق عرب‌زبان، به دست می‌دهد.

یکی از نخستین مواردی که در این کتاب تا

حدی مٌخَلِّ مقصود است، ترجمه عنوان کتاب‌هاست که هر قدر هم دقیق باشد، باز دسترسی به اصل کتاب را برای یک عرب فارسی‌دان دشوار و بلکه در مواردی ناممکن می‌کند، مثلاً عنوان کتاب نوشته بر دریه اثر استاد ارجمند آقای دکتر شفیعی کدکنی (تهران، سخن، ۱۳۸۰ ش.) بدین گونه به عربی ترجمه شده است: «کتابات علی سطح البحر» (ص ۳۴۷، ش ۱۱۵۰) که دقیق و رسا نیست و از این قبیل نمونه‌ها باز هم می‌توان دید. اگر این طرح ادامه یافت و قرار شد، سال‌های بعد و موضوعات دیگر را نیز شامل شود و این آرزوی ماست لازم است نام اصلی و حتی فرعی کتاب نیز ذیل عنوان عربی آن درج و فهرستی نیز بر آن اساس تهیه شود، زیرا ترجمه عناوین آثار فارسی، به‌ویژه ادبی مانند مجموعه‌های شعر و داستان، بسیار دشوارتر است و به اغلب احتمال خواننده را برای یافتن عنوان فارسی گمراه می‌کند.

همچنین بهتر است که کتاب‌های عربی به‌طور کلی از فارسی جدا شود تا نیازی به تصریح به زبان کتاب وجود نداشته باشد و مثلاً کتاب عمده الطالب (ص ۳۱۶، ش ۱۰۴۷)، اثری به زبان فارسی معرفی نگردد!

به‌هرحال، الدلیل هدف درست و مهمی را منظور داشته است و اگر ادامه نیابد، مایه تأسف و افسوس بسیار خواهد بود و البته در صورتی که دست‌اندرکاران این طرح ادامه آن را در نیت داشته باشند، لازم است با صاحب‌نظران اینگونه فهرس رایزنی کنند تا نتیجه کوشش ایشان کامل‌تر و به هدف نزدیک‌تر باشد.

**پی‌نوشت‌ها:**

1.alibahram2001@gmail.com

**ماخذ:**

– الهادی، یوسف (۲۰۰۴). تاریخ بیهق. دمشق: ناشر داراقرء.